

**محسن فاطمی نژاد** |توافق‌نامه جدیدی که در واشنگتن میان سفیران لبنان و اسرائیل به امضا رسید، بیش از آنکه یک سند دیپلماتیک پایان دادن به درگیری‌ها باشد، به باور تحلیلگران مستقل شبیه تله‌ای از پیش طراحی شده است که حاکمیت بیروت را هدف قرار داده است.

این سند که پس از ماه‌ها فشار سیاسی و آرایش دیپلماتیک خاص به امضا رسید، موجی از محکومیت را در میان بازیگران اصلی لبنان برانگیخته است. مسئله اصلی توافق امضاشده در وزارت خارجه آمریکا، فراتر از غیرواقع‌بینانه بودن و ابهام‌های موجود در مفاد آن، این است که عملاً می‌تواند به جاده‌مصاف‌کن جنگ بعدی ارتش صهیونیستی تبدیل شود؛ جنگی که از همین حالا مسئولیت آن نیز متوجه لبنان خواهد شد.

منتقدان توافق‌نامه چارچوب معتقدند این توافق‌نامه با الگوبرداری خطرناک از توافق ۱۷ می ۱۹۸۳ و همچنین الگوی معاهده اسلو تنظیم شده است؛ معاهده‌هایی که با استفاده از عبارات مبهم و تعهدات قابل تفسیر، زمینه تثبیت شرایط تحمیلی به نفع رژیم صهیونیستی را فراهم کردند. صهیونیست‌ها همواره در بهره‌برداری از خلأهای حقوقی و به تعویق انداختن مسائل اساسی مهارت داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که در نهایت، وضعیت موجود را تثبیت کرده و طرف مقابل را مسئول شکست روند معرفی کنند.

**■فشار واشنگتن برای تغییر معادلات لبنان**

در این میان، دونالد ترامپ با پیش انداختن این طرح دیپلماتیک و ایجاد اهرم‌های فشار جدید بر بیروت، به دنبال آن است که چند هدف را همزمان دنبال کند؛ از یک سو جبهه لبنان را مطابق خواست تل آویو مهار کند و از سوی دیگر، از نقض ظاهری تفاهم‌های منطقه‌ای خود با تهران فاصله بگیرد.

بااین حال، تضاد عمیقی میان واقعیت میدانی و متن این سند وجود دارد. حاکمیت لبنان نمی‌تواند بایک تکه کاغذ، ساختار دفاعی و تسلیحاتی مقاومت را که بخشی از دکتترین بازدارندگی در برابر تهدیدهای خارجی تلقی می‌شود، از بین ببرد. از سوی دیگر، ارتش لبنان با وجود کمبود شدید بودجه و وابستگی به کمک‌های مشروط خارجی که خطوط قرمز آن را آمریکا و اسرائیل تعیین می‌کنند، نمی‌تواند به یکباره نقش یک نیروی بازدارنده بزرگ را ایفا کند.

در واقع، واشنگتن و تل آویو از بیروت می‌خواهند در نقطه‌ای رفتار یک دولت مقتدر را نشان دهد که ابزارهای قدرت آن در ضعیف‌ترین وضعیت ممکن قرار دارد؛ یعنی کنترل نیروهایی که توان رویارویی با آن‌ها را ندارد و پذیرش تعهداتی که ضامن اجرای آن‌ها قدرتی است که اساساً احترام چندانی برای حاکمیت لبنان قائل نیست.

**■شکاف سیاسی در بیروت؛ از کاخ بعیدا تا جبهه مخالفان**
قابل پیش‌بینی بود که این توافق‌نامه، ساختار سیاسی لبنان را به دو مسیر کاملاً متضاد تقسیم کرده و شکاف عمیقی در بدنه حاکمیت ایجاد کند. در یک سو، جوزف عون، رئیس‌جمهور لبنان قرار دارد که در کاخ بعیدا تلاش کرده با دعوت از اتحادیه‌ها، نمایندگان و شخصیت‌های سیاسی، یک پشتوانه مردمی و تصویر حمایتی برای توافق ایجاد کند. این تلاش‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که توافق مذکور در داخل لبنان تنها با حمایت احزاب «کتاب لبنان»، «القیوات

توافق جدید میان دولت لبنان ورژیم صهیونی، خارطه توافق‌های پرمناقشه گذشته با میانجی‌گری آمریکایی‌ها رازنده کرد

# نبیه‌بری و شیعیان علیه امضای تسلیم بیروت



اللبنانیه» و برخی جریان‌های نزدیک به سفارت آمریکا مواجه‌شده‌است.

عون حتی در دیدار با یزید بن فرحان، فرستاده سعودی، از او خواسته است با ولید جنبلاط وارد گفت‌وگو شوت و از او بخواهد موضعی را اتخاذ نکند که همسویا مواضع نبیه‌بری، رئیس پارلمان باشد. در سوی دیگر، نبیه‌بری، رئیس پارلمان لبنان قرار دارد که تلاش می‌کند نیروهای ملی مخالف توافق را دوباره سازماندهی کرده و جبهه‌ای گسترده در برابر این سند شکل دهد. نشست اخیر بری با جبران باسیل، رئیس جنبش آزاد میهنی لبنان، به بیانیه‌ای قاطع منجر شد که نشان داد این جریان آماده بازخواست دولت درباره توافقی است که به باور منتقدان، تضمین روشنی برای آزادی اراضی اشغالی ارائه نمی‌دهد. شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله نیز در آخرین سخنرانی خود این سند را ذلت‌بار و تسلیم‌طلبانه توصیف کرده و آن را در تضاد با حاکمیت لبنان دانسته است.

از منظر حقوقی نیز، برخی ناظران هشدار داده‌اند بندهایی که لبنان را از پیگیری اقدام‌های حقوقی در مجامع بین‌المللی محدود می‌کند، می‌تواند این کشور را در برابر اقدام‌های اسرائیل در موضع ضعف قرار دهد. همچنین از نظر قانون اساسی لبنان، تصمیم‌های کلان و تعهدات ملی در صلاحیت شورای وزیران قرار دارد و منتقدان معتقدند چنین توافق‌هایی نمی‌تواند بدون عبور از سازوکارهای قانونی به مرحله اجرا برسد. به همین دلیل، جریان مخالف به رهبری بری تلاش دارد این توافق را وارد فرایندهای بررسی، کمیته‌های تخصصی و مسیرهای اداری طولانی کند؛ رویکردی که از نگاه آنان، راهی برای جلوگیری از اجرای سریع مفاد آن است.

**■شروط اسرائیل برای عقب‌نشینی؛ نشانه‌ای از تداوم اشغال**

در شرایطی که کاخ بعیدا این سند را یک دستاورد راهبردی برای جدا کردن مسیر لبنان از پرونده‌های منطقه‌ای معرفی می‌کند، مقام‌های تل آویو مواضعی اتخاذ کرده‌اند که دستاورد‌های این توافق را برای خودشان عالی می‌دانند. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل با پا گذاشتن در مناطق اشغالی در لبنان اعلام کرده است ارتش این رژیم تا زمان از بین رفتن کامل تهدید حزب‌الله در مناطق مرزی باقی خواهد ماند و بازگشت آوارگان لبنانی را نیز به شرایط امنیتی مورد نظر خود گره زده است.

همچنین یسرائیل کاتس، وزیر جنگ این رژیم، بر تداوم حضور نظامی در مناطق امنیتی لبنان و سوریه تأکید کرده و عقب‌نشینی را مشروط به اقدام‌های مشخص از سوی ارتش لبنان و ایجاد سازوکارهای نظارتی مورد نظر آمریکا دانسته است.

این مواضع نشان می‌دهد منتقدان توافق آن را نه یک توافق صلح، بلکه یک چارچوب حقوقی قابل استفاده برای فشارهای آینده می‌دانند. بر اساس این نگاه، اگر ارتش لبنان نتواند مقاومت را کنترل کند یا اگر بیروت مسیرهای حقوقی بین‌المللی را دنبال کند، اسرائیل می‌تواند لبنان را به نقض توافق متهم کرده و از این موضوع برای توجیه اقدام‌های نظامی جدید بهره‌بگیرد.

**■گزینه‌های اسرائیل برای لبنان: مدل کرانه باختری یا غزه**
تراژدی اصلی برای لبنان این است که پس از سال‌ها درگیری و تجاوزهای اسرائیل، به‌جای تقویت یک دکتترین دفاعی متکی

توافق جدید میان دولت لبنان ورژیم صهیونی، خارطه توافق‌های پرمناقشه گذشته با میانجی‌گری آمریکایی‌ها رازنده کرد

# نبیه‌بری و شیعیان علیه امضای تسلیم بیروت



بر توان داخلی و اجماع ملی، اکنون وارد چارچوبی شده که به باور منتقدان، می‌تواند ضعف‌های ساختاری حاکمیت را آشکارتر کند.

از نگاه مخالفان، اسرائیل در قبال لبنان دو مسیر را دنبال می‌کند؛ نخست «مدل کرانه باختری» که در آن یک ساختار سیاسی محدود و خشن، مسئولیت مدیریت امنیتی را بر عهده بگیرد، اما در نهایت در چارچوب خواسته‌های تل آویو حرکت کند و دوم «مدل غزه» که در صورت شکست این سناریو، بر پایه فشار حداکثری، تخریب و تغییر واقعیت‌های میدانی استوار خواهد بود.

همین نگرانی‌هاست که تجربه توافق اسلو را دوباره به موضوع بحث در لبنان تبدیل کرده است. ادوارد سعید، اندیشمند فلسطینی، در سال ۱۹۹۳ و پس از امضای توافق اسلو در مقاله معروف خود با عنوان «صبح روز بعد» هشدار داده بود هر توافقی که با عنوان صلح معرفی می‌شود، الزاماً به معنای تحقق حقوق ملی طرف ضعیف‌تر نیست. او توافق اسلو را نه مسیر استقلال، بلکه چارچوبی دانست که می‌تواند به تثبیت نابرابری قدرت منجر شود. اکنون منتقدان توافق واشنگتن نیز با استناد به همین تجربه معتقدند این سند نه پایان درگیری، بلکه سازوکاری است که می‌تواند مسئولیت امنیت اسرائیل را بر دوش لبنان بگذارد و در صورت بروز اختلاف، زمینه حقوقی و سیاسی لازم برای فشارهای جدید یا حتی جنگ بعدی را فراهم کند. از همین رو، جریان‌های مخالف در لبنان تلاش دارند اجرای آن را از همان مراحل نخست، با ابزارهای سیاسی و قانونی متوقف یا دست‌کم به تأخیر بیندازند.

اسناد جدیدی که رویترز ادعا کرده به آن‌ها دست یافته نشان می‌دهد

## ژنرال‌های چین به سربازان روس آموزش می‌دهند

بر اساس اسناد محرمانه روسی که رویترز ادعا کرده به آن‌ها دست یافته و به تأیید دو مقام اروپایی رسانده، نشان می‌دهد آموزش نظامی پنهان نیروهای روسی توسط چین در سال گذشته به‌صورت شخصی توسط آندری بلوسوف، وزیر دفاع ولادیمیر پوتین تأیید شده و دست‌کم چهار ژنرال روس و چینی مستقیماً در آن نقش داشته‌اند. مقامات اروپایی می‌گویند حضور چنین مقامات بلندی‌پایه‌ای در آموزشی که به جنگ اوکراین مرتبط است، نشان‌دهنده اهمیت همکاری روسیه و چین است که در اروپا نگرانی ایجاد کرده، هرچند پکن وقوع آن را رد کرده است. یک سند طبقه‌بندی‌شده روسی که رویترز دیده، به فرمان داخلی صادر شده توسط بلوسوف، وزیر دفاع در آگوست ۲۰۲۵ اشاره دارد. بر اساس این سند، هیئت‌ی از نیروهای مسلح روسیه برای شرکت در تمرینات آموزشی در تأسیسات ارتش آزادی‌بخش خلق چین به این کشور سفر کردند. یکی از دوره‌های آموزشی – یک دوره سه‌هفته‌ای متمرکز بر حفاظت در برابر تشعشعات، مواد شیمیایی و بیولوژیک – در یک مرکز نظامی در پکن در نوامبر برگزار شده است.

آن‌ها را «ادیکال» و ترامپ آن‌ها را «کمونیست» خواند.

در حوزه هشتم کلرادو، یکی از حوزه‌ها نوساتی که می‌تواند کنترل کنگره را تعیین کند، مانی روتینل، نامزد ترقی خواه با شکست شانون برد، نامزد میانه‌رو راهی رقابت با گاب ایوانز، نماینده جمهوری خواه فعلی شد. روتینل کارزار خود را بر حمله به رقیب میانه‌رو به‌خاطر عدم مقابله با عملیات‌های مهاجرتی ترامپ متمرکز کرده بود.

خبر

افغانستان در اقدامی تلافی‌جویانه دست به حملات هوایی علیه پاکستان زده است

**کابل هم به عملیات پهپادی روی آورد**

همزمان با حملات هوایی پاکستان به مناطق مرزی افغانستان که دست‌کم ۲۸ کشته غیرنظامی بر جای گذاشت، طالبان اعلام کردند پایگاه‌های منتسب به داعش را در استان‌های بلوچستان و خیبر پختونخوای پاکستان بمباران هوایی کرده‌اند. اسلام‌آباد نیز می‌گوید چهار پهپاد غیرپیشرفته را در بلوچستان سرنگون کرده است.

درگیری‌های روز سه‌شنبه تازه‌ترین مورد از سلسله تنش‌های میان دو کشور همسایه در جنوب آسیا محسوب می‌شود. صدیق‌الله نصرت، سخنگوی وزارت دفاع افغانستان اعلام کرد نیروی هوایی این کشور حملات را با «دقت بسیار بالا» انجام داده و «تلفات سنگین و خسارت‌های گسترده‌ای» به داعش وارد کرده است. به گفته او، هیچ غیرنظامی در این حملات آسیب ندیده است. در مقابل، ارتش پاکستان در بیانیه‌ای اعلام کرد پهپادها بلافاصله شناسایی و سرنگون شدند. مقام‌های محلی نیز حمله پهپادی را تأیید کردند و گفتند یک پهپاد در نزدیکی یک مدرسه دولتی در سرانان دیده شده و در این حادثه دو نفر زخمی شده‌اند. پاکستان هشدار داده اگر طالبان به اقدام‌های تحریک‌آمیز ادامه دهند، با «پاسخی متناسب» و «پهپای سنگین» مواجه خواهند شد.

افغانستان فاقد جنگنده است، اما بر اساس داده‌های مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی لندن، دست کم ۶ فروند هواپیما و ۲۳ فروند بالگرد در اختیار دارد. همچنین نیروهای طالبان به پهپادهایی مجهز هستند که در درگیری‌ها با پاکستان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. پاکستان می‌گوید افغانستان به شبه‌نظامیانی پناه داده که برای انجام حملات در خاک پاکستان برنامه‌ریزی می‌کنند، اما طالبان این اتهام را رد می‌کند. درگیری میان افغانستان و پاکستان که زمانی روابط نزدیکی داشتند اما اکنون به رویارویی کشیده شده است، از ابتدای سال صدها قربانی گرفته و تلاش‌های میانجی‌گرانه چین برای کاهش تنش‌ها تاکنون بی‌نتیجه مانده است.

رئیس‌جمهور آمریکا یک سال پس از ورود به کاخ سفید درآمد هنگفتی از رمزارز داشته است

**درآمد میلیارد دلاری ترامپ از کریپتو**



بر اساس گزارش مالی ۹۰۰ صفحه‌ای ترامپ در سال ۲۰۲۵، او ۶۳۵ میلیون دلار حق امتیاز از میم‌کوین اختصاصی خود (TRUMPS) و بیش از ۵۰۰ میلیون دلار از شرکت رمزارزی ورلد لیبرتی فایننشال که توسط پسرانش تأسیس شده، دریافت کرده است. این در حالی است که ترامپ پیش‌تر بیت‌کوین را «کلاه‌برداری» و «فاجعه‌ای در انتظار وقوع» توصیف کرده بود.

گزارش مالی ۹۰۰ صفحه‌ای ترامپ نشان می‌دهد میم‌کوین اختصاصی او تنها چند روز پیش از آغاز به کارش به‌عنوان رئیس‌جمهور عرضه شد و از آن زمان ارزش آن به‌شدت کاهش یافته است. ترامپ همچنین میلیون‌ها دلار دیگر نیز از محل املاک و مستغلات و فروش کالا‌های دارای برند خود بدست آورده است. درآمد ثبت‌شده در تازه‌ترین گزارش مالی او به‌مراتب بیشتر از گزارش سال ۲۰۲۴ است که بیش از ۶۰۰ میلیون دلار اعلام کرده بود.

کاخ سفید هر گونه سود بردن ترامپ از مقام ریاست‌جمهوری را رد کرده و تأکید دارد کسب‌وکارهای او در قالب یک صندوق امانی تحت مدیریت پسرانش قرار گرفته‌اند. آن‌اکلی، معاون سخنگوی کاخ سفید گفت رئیس‌جمهور با افتخار آمریکا را به «پایبخت ارزهای دیجیتال جهان» تبدیل کرده و «نه رئیس‌جمهور و نه خانواده او هرگز در تعارض منافع دخیل نبوده و نخواهند بود». در برابر گزارش مالی ۹۰۰ صفحه‌ای ترامپ، گزارش مالی جوبایدن تنها ۱۱ صفحه بود.

کانادایی‌ها در دوره رئیس‌جمهور جدید آمریکا غرور ملی بیشتری دارند

**پایان ۴۰ سال افول میهن‌پرستی**

نظرسنجی جدید نشان می‌دهد میهن‌دوستی در کانادا که طی چهار دهه در حال افول بود، با بازگشت ترامپ به کاخ سفید جان تازه‌ای گرفته است.

در آستانه روز ملی کانادا، شهروندان این کشور احساس تازه‌ای از غرور ملی را تجربه می‌کنند؛ روندی که معکوس‌کننده یک روند دست‌کم ۴۰ ساله از افول است. تنها چیزی که لازم بود، یک همسایه غیرقابل پیش‌بینی و تهاجمی بود که تهدیدهای حاکمیتی و جنگ تجاری اش تأثیری ماندگار بر جای گذاشت.

نظرسنجی جدید پالتیکو از ۶ کشور نشان می‌دهد کانادا در حال بازاندیشی جدی‌ای خود در صحنه جهانی و رابطه‌اش با آمریکایی‌هاست. در حالی که اروپایی‌ها با شک و تردید به‌به‌هتراز درآوردن پرچم می‌نگرند، کانادایی‌های مغرور خود را در برگ پرچم افرا می‌پیچند. کانادایی‌ها در پاسخ به پرسش‌های مختلف، سطوح بسیار بالاتری از غرور ملی و میهن‌دوستی را نسبت به پاسخ‌دهندگان در بریتانیا، فرانسه، آلمان و اسپانیا گزارش کرده‌اند. ژان کرتین، نخست‌وزیر اسبق کانادا، بارها به شوخی گفته باید دونالد ترامپ را برای اتحاد مردم در شمال مرز، نامزد دریافت نشان کانادا کرد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد غرور ملی کانادا که در دسامبر ۲۰۲۴ به ۳۴ درصد رسیده بود، در اوایل ۲۰۲۵ به ۴۴ درصد جهش کرده است. ۴۶ درصد از پاسخ‌دهندگان ارزش‌ها و سبک زندگی، ۴۲ درصد چشم‌انداز طبیعی، ۳۸ درصد مردم و ۳۷ درصد سیستم بهداشت و درمان را منبع افتخار ملی دانسته‌اند.

فراخبر

دولت‌ها در حال تلاش برای کاهش تنش‌ها و جلوگیری از تشدید تنش‌ها هستند.

در شب انتخابات مقدماتی کلرادو، بهمنی از آرای ضدساختار شکن سراسر ایالت‌ارافرا گرفت. نامزدهایی که خود را مبارز علیه ساختار قدیمی حزب دموکرات معرفی می‌کردند، به پیروزی‌های چشمگیری دست یافتند؛ واضح‌ترین نشانه‌ای که خشم پایگاه حزب از رهبران‌شان بسیار فراتر از نیویورک رفته است.

پس از پیروزی‌های شگفت‌انگیز در انتخابات مقدماتی دموکرات‌ها در مین و نیویورک، اکنون نوبت به کلرادو رسیده است. دونماینده مستقر دموکرات در این ایالت با همان موج احساسات مترقی و ضدساختار شکن مواجه شده‌اند که دو تن از همکارانشان را در نیویورک از صحنه خارج و جانت میلز، فرماندار محبوب مین را وادار به خروج از رقابت‌های سناتوری کرد.

دایانادی گت‌شصت و هشت ساله، عضو گروه ترقی‌خواه کنگره که از سال ۱۹۹۶ کرسی حوزه انتخابیه دنور را در اختیار داشت، با چالش‌ی از چپ توسط ملات